بادداشت منتقد

گفت و گو با فرزاد مو تمن کار گردان «خداحافظی طولانی

قشرکارگراز قصههایماحذف شدهاند

♦من روشنفكر نيستم

زهرانجفی افرزادموتمن کار گردانی که به قول خودش باهاي روشن، مي شناسند؛ أمسال با همه او را با قیلم اسب های روسن، می سنسند؛ امسال با فیلم اخداحافظی طولانی، در سی وسومین دوره جشنواره فیلم فجر حضور دارد. در واقع بعداز فیلم شب های روشن، ییم ببر عصور در دروسی بنار میم سبعای روس. این دومین اثر عاشقانه موتمن است، خودش می گوید. علاقهمنداست باز هم فیلم عاشــقانه دیگری در فضای شبهای روشن بسازد اما این فیلم را هم به نوع دیگری دوست دارد.درادامه گفتو گوی مان را می خوانید:

اوایل سال خبرهایی مبنی بر تصمیم شما برای ساخت فیلم «سراسر شب»فیلمی که فیلمنامهاش راهم خودتان نوشته اید، شنیده بودیم ولی ناگهان بد که در حال ســاخت فیلم «خداحافظی بر رسا طولانی، هستید چرااین فیلمنامه شـمارابرای ساخت ترغيب كرد؟

البته منَّ مي خواهم فيلم اسراسر شب، را هم بسازم و پیگیر آن هستم؛ چون این فیلم به نوعی وصیتنامه من است اما چند عامل باعث شد تا ساخت «خداحافظی وسي. ۱۰ «خداحافظي طولانی» را در اولویت قرار دهـــه؛ اول اینکه فیلم درباره وت کی در در در . - در ال ها بود که می خواستم تجربهای عشــق بود و من ســال ها بود که می خواستم تجربهای دوباره را در ساختن فیلمی با این موضوع تکرار کنم، اما براًیمُ پیُشُ نمی آمد. دومین امتیاز مُهم فیلم این بود که قصه آن در فضای حاشیه شهر و قشر کار گر رُخ می دهد؛ قشري كه ما تقريبا أنهارااز سينماى مان حذف كردهايم ودر حــال حاضر قصه بیشــتری میان در منطقه ودر حــال حاضر قصه بیشــتر فیلمهایمان در منطقه «پارک وی» به بالامی گذرد.در حالی که بیشتر مخاطبان ، مادر مناطقی پایین تر از این محدوده زندگی می کنندو خودشان رادر سینمانمی بینند.سومین دلیلی که باعث شــد کار گردانی این فیلم را بیذیرم، مینے مالیزم بودن آن بود که برایم جذابیت داشت. در فیلمنامه هیچ کدام از قصه هـاباز نمیشــد،بلکه تنها گــذری به قصه های ر متعــددفيلم وجود داشــت. يعنى مااجــازه مى دهيم، تماشاچى خودش برخى چيز هارامجسم كند. همچنين ویژگیهایی مُثل وجُود؛ تقابل فُرد و جمعیت، کارخانه، قبرستان، جادههای کم رفت و آمد، ریل قطار، خانههای حاشيه قطار و...اين امكان راايجاد مي كردند كه به لحاظ تصویری این فیلم را وسترن ببینیم. در ضمن آماده بودن هزینه پروژه یکی از مهم ترین دلایلی بود که باعث شــد ب المربور القبول کنم. در خیلے ای ز پروژدها هفت یا هشت ماه ما را می رند و می آورند آخرش هم می گویند دستمان خالي است و مشكل داريم. سينماي ايران يه يکشوخي است؛ اماسر اين پروژه دستمز دم ۔ گاھی شب را به موقع دادند.

شهروندا تنور نخستین روز سی و سومین دوره جشنواره فیلم فجر آن چنان که باید شاید و گرم نبود واندکسی بی نظمسی کسه روال همه روزهای نخس ر ــــ ـــى بى ــــىتى تــــروس مىمەرورىكى ئەسسىيى جشنوارەھاســـــاين گرم نبودن را بيشتر بە چشم آورد. جشنوارە امســال با يک فيلم كودكانه «قول» كە بر گزيدە . جشــنواره فيلم كودك و نوجوان اصفهان بود، آغاز شــد، فیلمی که به دلیل این که بیشتر اهالی رسانه آن را طی جشنواره دیده بودند با عدم استقبال مواجه شد و در ادامه نشست آن نیز به درخواست کارگردان برگزار نشد. البته محمدعلی طالبی، دلیل برگزار نشدن این نشست را «اطلاع سانی دیر هنگام دستاندر کاران جشنواره فیلم ـــتندې که در فجر، اعلام کر د. با این حال نخســـتین م نواره به نمایش در آمد یعنی امن میخوام شاه بشم بااستقبال خوبى روبه روشد. پس از آن هم حضور تدريجي مایی همچون ابراهیم حاتمی کیا، پرویز

ُ تقدیم نمایش روز اول«بوفالو»به پرویز پرستویی

برویز پرستویے چهرہ نخستین روز جشنوارہ ہود، چرا کہ پس از مدتھا با

برویز پر سویی پهر - مسیر زور بستو رو بونه پر - پس ریس میش یک فیلم اولی به جشنواره آمده بودو کلوه سجاد حسینی نمایش فیلمش را بانوشتن یادداشتی که برای مخاطبان پر دیس کیان خوانده شد به پر ستویی

نقدیم کرد: این فیلم در اصل، فیلم تصاویر است ومن به عنوان فیلمساز سعی کردم سیاهنمایی و سفیدنمایی کنم. تلاشم این بوده که واقعیت را به تصویر

بكشم يعنى هر چيزى كەز يباست زيبا ديدەمى شودو هر چيز زشت، نازيبا.

ازهمەبازىگران فىلمخواستم كەبازىنكىند،جلوىدوربينزندگى كىند



مالى هيچ وقت آدم مرفهى نبودم و مثل بقيه مر دم سـوار عاشقانه قبلی شـما «شبهای روشـن» بود که مترو، اتوبوس و تاکسی میشوم، حتی بعد از باز گشتم از آمریکا، چون برایــم کار نبود، دو ســال در کارخانه چوب فضایی روشنفکر انه داشت. در خداحافظی طولانی سراغ طبقه و فضایی متفاوت رفتید. چقدر این طبقه را می شناختید و برای در آمدن فضای خُسَن موردنیاز چه تمهیدی به کار گرفتید؟ بری در تجریش کارگری کردم. شناختی که از من وجود بری در بارینی در بری بردی سرد می در این در این برد. دارد، غلط است و همهاش هم تقصیر فیلم ۱۱۰سبهای روشن۱۱ست. اگر روشنفکران ما این قدر بی عرضه هستند شناخت دو بخش دارد؛ اول اینکه تو به عنوان فیلمساز رکری که من می توانم فیلم بهتری دربار مشان بسازم، این تقصیر خودشــان اســت. و گرنه من بهعنوان یک آدم معمولی، بايددر جامعه تزندكى كنى ولايه هاى مختلف جامعهات را بشناسے و در بخش دوم تو تخیل می کئے. زمانی که جامعهام را به خوبی می شناسم و اصلاً در این فیلم نگاه توریستی نسبت به قشـر کار گر ندارم. کاملا حس شان ر. فیلم اباج خور ارا ساختم، شـــناخت دقیقی از این آدمها نداشـــتم؛ اما به طراح صحنهام گفتم کــه جلوی فریبرز عربنیا جاسیگاری نگذارد، چون او تەسیگارش را زیر پایش میاندازد. من با طبقه کارگر بیگانه نیستم، مشکل اينجاست كههمه مراباشبهاى روشن مى شناسندو فكر

رامی فهمو، حتی زمانی که نویسنده نوشــت، او از در وار د . ى شودوروى يک صندلى لهستانى مى نشيند، به او گفتم این را درک می کنم که این روزها کمتر کسی روی زمین مىنشينداماصندى · -تنەقشركارگر. بنداماصندلىلهستانىمتعلق يهخانوادههاى اصيل بكر إز نقاط قوت فيلم، حذف تدريج شخصت

نخستين روز جشنواره فيلم فجربر گزار شد

هواسردبود،جشنوارهاندکی گرم

پرستویی، گلاب آدینهو- به جشنواره رونق بخشید امسال فیلم اول خود را بسسازم و درنهایت در ۲۵ سالگی ناهید» هم مانند دوره گذشته عوامل فیلم قبل از نمایش هر فیلم را به کمک بیژن امکانیان مقابل دور بین بردمه نشست فیلم «ارغوان» هم با استقبال عوامل این فیلم بر گزار شد به طوری که روی سن جایی برای نشستن همه عواملی که به روی سن دعوت می شوندو به مخاطبانشان خوشامد می گویندو حتی مجری نام منتقدی را که بعد از نمایش فیلم قُراراست نشست نقد و بررسی فیلم را اجراً کند، به حاضران اعلام می کندد آیدا پناهنده، کار گردان فیلم آمدہ بودند نیودو کیوان علیمحمدی، یکی از کار گر دانان فیلم که خــودش را از مرتکبین ایــن فیلم؛ معرفی کرد مجبور شددر طول جلسه بایســتد.او درباره فیلمی که با اناهید» از آرزوی تحقق نیافتهاش در نشست خبری این امید بنکدار بهعنوان سومین فیلم بلندشان کار گردانی کردند، گفته است: افکر می کنم این فیلم حال مخاطب فیلم صحبت کرد: از زمانی که وارد دانشکده سینماتئاتر شدم فکر می کردم که مانند اور سن ولز در ۲۴ سالگی اولین راخوب مى كندوبه همين دليل آن را دوست دارم چون فيلم خودرامي سازم امادريغ جراكه نتوانستم در آن زمان

" مىكنندمن آدم روشنفكرى هستم كه فقط با شاعران و فيلسوف هارفت و آمددارم.در صورتى كه من بچه شركت

نفت هستم و در محیط صنعتی بزرگ شدم من به لحاظ

نتيجه آراى مردمى روز نخست فجر «عصريخبندان» صدرنشين

نتىجە شمارش آراى روز نخست حشنوارە فىلم فحر فىلمھاى بخش مسیقیه مسارعی روی زرد مست مسور دینم، در عمادی ممارش مسابقه سودای سیمرغ اعلام شد.از مجموع ۲۰۱۸ برگ رأی شمارش شیده به تر تیب فیلم «عصر یخبندان» به کارگردانی مصطفی کیایی با میانگین امتیاز ۵/۳ · در رتبه نخست، فیلم «کوچه بی نام» به کار گردانی هاتف علیمردانی با میانگین امتیاز ۸۸/۲ در رتبه دوم و فیلم «اعترافات ذهن خطرناک من، به کارگردانی هومن سیدی با میانگین ۶۹٬۲ حایز ر تبه سوم شدهاند.

سـاره بیات اسـت. این ا تفـاق فقـط در فیلمنامه هم نیفتاده است. قاب بندی های شــما به شــکل هوشمندانه ای او را جدااز دیگران نشان می دهد. از اینُ نظر کار سختی کردهاید؛ ایجاد پرسش و پاسخ به آنها در سـکانس نهایی. نگران نیستید در طول . تماشای فیلم این پرسش ها قشری از مخاطب عام را آزار دهدوباعث شود آنها فکر کننداز فیلم عقب

نه واقعا، من فكر مىكنم بعضى از تماشــاچيان حتى زودتر از فيلم، متوجه اصل داستان شوند چون ماهيچجا ر در در ۱۹ مربقی نروغنمی گوییم وهمه چیز رانشان می دهیم.البته به هر حال فیلم،غافلگیری هایی دارد.

خداحافظے طولانے را شـایداگر فیلمسـاز دیگری می ساخت، این قدر مینی مال با آن بر خور د نمی کرد. درواقع خطر کرده و روی لبه تیغ حرکت کردید.ممکن بود با این رویکر دبخشی از مخاطبان را به دلیل نا توانسی در رابطه برقرار کردن با فیلم از ن بدهید. چه حدو مرزی را برای خودتان تعيين كرديد كهاين اتفاق نيفتد؟

از همان ابتدا احساسم این بود که اخداحافظی طولانی، می تواند با مردم ارتباط برقرار کند اما فیلم پرفروشیی خواهد بود. من زمانی که فیلم می سازم به مخاطبم فکر لمی کنم، به آنچه که در ســـــت است فکر می کنم و بر پایه ، ىيممىگيرم.در ھر صورت بايد بگذار يم ببينيم چه ى شودومردم چەبر خور دى مى كنند.

المحرور حرب پر طرح الی هم از نکات عجیب فیلم انتخاب سعید آقاخانی هم از نکات عجیب فیلم است.او را در ایس نقسش کاملا باور می کنیم. در نخســتین صحبت هایتان از او چه خواســتید و آیا خودش نگــران نبود که از پس ایفــای چنین نقش دشواروخشنی برنیاید؟

، ش**وار وحشنى برنيا يد؟** اواز روز اول بــــاعتماد به نفس آمد و مىدانســــت اين نخصيت كيست. حتى اودر خيلى از جاها خودش رامهار کرد، چون میدانست من بازی های خنثی تر و سردتری می خواهم. اصولا به نظرم بازیگر های کمدی و طنز در آثار رئال موفق می شوند، چون توانایی بالایی دارند او این نقش اخیلی خوب می شناخت و اصلا ادایش را در نیاورد. من م مطمئن بودمی توانم. قصد نداریدیک عاشـقانه دیگر بسازید که

عاشقانهها يتان بعداز شبهاى روشن وخداحافظى طولانى تبديل بەسەگانەشود؟ ر - ی ، _ی. چراحتما،دوستدارم در فضای شب های روشن دوباره کار کنمو به آن شکل فیلمی درباره عشق بسازم.

ین روزها در جامعه، حال مان خیلی خوب نیست بنابر این ، الارم است کمی لطیف و رقیق شویم» پرویز پرستویی هم که در فیلم «بوفالو» کلوه سجادحسینی نقش بهرام بوفالور ا بازی می کند معتقد است، فرصت خوبی پیش آمده که به ، فیلماولیهابهای بیشتر داده شود،موضوعی که قبلاوجود نداشت: اگویی نسل جوان فیلمساز ما به عنوان کارگردانان کار اولی،افرادی, پی ریست بودند اماخو شبختانه در این یکی، دو ساله فرصتی پیش آمده که جوانان در جشنواره فیلم فجر محلی برای ارایه کار داشته باشندو مادر این دوره شاهدفیلمهای خوبی در عرصه کارهای فیلماولی باشیم» ۱۱ ین سیب هم برای تو» آخرین فیلم روز اول جشنواره بود

که در بخش خارج از مســابقه به نمایش در آمد و به دلیل تأخیرهای پیش آمده نمایش آن تا حدود ساعت ۲۴ ادامه پیدا کرد. البته نشست خبری این فیلم به درخواست سيروس الوندبر گزارنشد.

سينماهاىمردمى پررونق بودند

بر دسر ,سینمایی کوروش ,همحنان ,بلیتفروشی ,دار دو گیشه باز است. پر میں سیمدینی کرروس معین بیت کروسی کر کر میں بار کریں کا موفق به خرید امیر شهاب رضویان، مدیر این سینمامی گوید: «کسانی که موفق به خرید بلیت در پیش فروش نشدهاند می توانند ۵۴ دقیقه قبل از شروع هر سانس ، " برای تهیهبلیت فیلم های همان سانس به گیشه مراجعه کنند. افیلم اعصر یخبندان امصطفی کیایی هم نخستین فیلمی بود که در پر دیس سینمایی یه جب ایسی عینی جهان میشونی میشون معار پر ایس سیمهایی آزادی به نمایش در آمدو با استقبال روبه روشد. «ایران برگر» به کار گردانی مسعود جعفری جوزانی هم در سینمافر هنگ با استقبال روبه روشد.

جشنواره ازنگاه دوربین



پرويز پرستويى وهمايون اسعديان در آسانسور كاخ شكار عكاسان شدند.



گلاب آدینه در کنار احمدمسجدجامعی اولین مسئولی که به کاخ آمد



ینبار عکاسان سوژهمهتاب کرامتی شدند.

است. پر از ص

سمینمای ایران آنگونه که باید جدی نیست. یعنی برخورد کلاسمیک و سنتی با موسیقی متن فیلم یا برخورد رئالیستی مبنی بر حذف موسیقی یا حداقلی شدن موسیقی و افکتهای صوتی باعث شده کـه توجه به حاشـیه صوتی در سـینمای ایـران کمرنگ باشـد. بنکدار و علیمحمـدی از همان اولین فيلم سينمايي شان نشان دادند كه به اين مقولــه توجــه جدى دارنــد و حــالا در فيلم سومشان که موسیقی وضعیت جدی دارد، حاشیه صوتی طنیمن دیگری پیما کرده است. اجرای زنده و پرهیز از صداهای سمپل، سپردن ساخت موسیقی به هنرمندی خوش قریحه که بیشــتر او را در مسند رهبر ارکستر و نوازنده ویولن دیده بودیم و سینک بودن تمام تصاویری که نواختن موسیقی در آن محوریت دارد از جمله امتیازات صدا و موسیقی این فیلم است. در سال های اخیر سینمای ایران به این نتیجه رسیده که با نشان دادن ابزار و اجرای زنده موسیقی میتواند مخاطب بیشتر داشته باشد. از سوی دیگر خیلی از فیلمها حتی خارج از این دیـدگاه اقتصادی به موسـیقی توجه کردند امـا اارغوان، یگانه فیلم این دوران اسـت که به موسیقی نگاه بسیار محترمانه داشته و در

هارمونی موسیقایی در بیان سینمایی اميربهارى **نور**: فیلم ہای امیں بنکے دار و کیے ان



واقعى شده است. ی **صدا**: حاشـــیه صوتی یا موسیقی و صدا در

تک تک صحنه ها که سازی هست و قطعه اجرا می شود آن صدا آن قطعه نت به نت با تصویر هماهنگ است، این ویژگی را نمی توان نادیده گرفت و کوچک دانست. بردیا کیارس هم در چیدمان قطعات و اجرای آنها برای میم در چیدمان تطعنات و اجسرای انها برای فیلم سننگ تمام گذاشته و در تمام صحنهها موسیقی مناسب و همسو با حال و هوای فیلم استفاده شده است. علیمحمدی پر از رنگ و نورهای چشمنواز ست. پر از صحنههایی که با دقت نور پردازی تصوير: «ارغـوان» از لحاظ طراحی دکوپاژ امضاهای مربوط به خودش را دارد. تقسیم شــدن روایت بــه دو دوره زمانــی دو نگاه در طراحی صحنه و دکوپاژ به همراه داشته است. جالب این کــه وقتی خانه لیلی از گذشــته به حال می آید و با زمان حال تلاقی پیدا می کند در صحنه کلیدی اتاق انتظار همچنان ما با رنگ و لعابی از گذشته مواجهایم که در

درباره ارغوان

برخور د نگانه با خانواده معشـــوقه مرحومش در همان خانه به زمان حال می آییم. بنکدار و علیمحمدی بــا طراحی ایدههای بندار و عید عندی به حرقی یعندی فرمی کـه به شـکل موتیف تکرار می شـود (مثل تراولینگهایی که دقیق طراحی حتی به نظر میآیید متراژ حرکتی آنها در سکانس ها و لوکیشن های مختلف یک اندازه است) تلاش برای ایجاد هارمونی در فیلم است. حالا روایت چگونه دارد این هارمونی را ایجاد می کند با ســاختن شخصیتهایی با جهان بینی های مشابه. مثل یگانه و همسر آوا که هر دو یک نوازنده را دوست دارند و البته به سبک و سیاق متفاوت. مثل آوا که همسرش

را از دست داده و با تلاش میخواهـد او را نگه دارد و یگانه (مهـدی احمدی) که هنوز نتوانسته بیذیرد که (ارغوان) را از دست داده است. تلاش امید بنکدار و کیوان علیمحمدی برای نزدیک کردن مدیوم سینما به موسیقی برای تربیه تردن مدین مدیوم سیسه به هوشیعی و نگاه موسیقایی به هارمونی در یک مدیوم سینمایی ستودنی است. از معدود تلاشهای موسیقایی که در آن تمام دقت و احترام لازم به موسیقایی در معنای ناب آن صورت گرفته

حرکت: ساختمان کلی «ارغوان» به اندازه جزییاتش دوست داشتنی نیست. یعنی دقت و ممارستی که برای رنگ، نور، صدا، طراحی دکوپاژ و... شــده برای روایت نشــده است. در صورتی که ایسن قصه کلاسیکترین اثر این دو زوج هنری است و میشد در ک و دریافت عمیق آنها از مسأله درام را بهتر دید. در نوشتن این نکته کمی تردید دارم چیون در بند بالا اشاره کردم که این فیلم درحال نزدیک شدن به مديوم موسيقي است و شايد شاخصههايي ا از دست می دهد تا به بیان انتزاعی یقی نزدیک شود. اما هرچه که هست قطعه در لحظات بســـیاری متوقف شده و این جهان شخصیتهاســت که بازنمایی میشود و ما بهعنوان مخاطــب ناگزیریم در یک لحظه و کا باعضوان ساختصب کا تریزیم کار ہے۔ بەخصوص به خواست کار گردانان در موضوع خاصی غــور کنیم که شــایداز نظر مــا تا این اندازه توجه و تأكيد نياز ندارد.

یادداشت کار گر دان

اميدهايي كهدر واقعيت نقش برآب مي شوند

كاوهابراهيم يور

دهای از زندگی

.. کوتنکرد»درباره خیلی چیزهاست.

فصلی جدیداز زندگی و در جُریان ارتباطانی که در پیچوخم شکل گیری است، بامفهوم شکننده

واقعیت مواجه می شود. کشفی که آستانه ورود او به دنیای پیچیده بزر گسالی است. دنیایی که در

ن هر که را دوست داری از دست میدهی و هر بُستتُدارُد،تركتُمي گويد.

يحيى سكوت نكرد؛ درباره سختى زن بودن

است. قصهای ساده که می کوشــداز نگاه یک . ربچه به گوشــههای پیچی

گیرودار زور آزمایی با هنجار هـــا و ناهنجار های یرر (((ر ر _ ی) . . . ر یک جامعه ســـنتی درحال گذار، در مواجهه با ترسهـــاو یأسهایی که به شــکلی بی رحمانه ر کی ۔ واقعیت دارند، زنانگیشان هر گز مجال شکفتن پیدانکـردہ و نمی کند. ایحیی سـکوت نکرد؛ قصه از دست دادن هاست؛ رویاهای تباهشدهای که ســال.ها به دوش میکشــیم. آرزوهایی که آنقدر دور از دسترس به نظر میرسند که بیخیالشان میشویموامیدهایی که در آستانه تبديل به واقعيت در برابر چشمانمان بهتزده نقش بر آب می شوند. ایجی سکوت نکرد؟ درباره آسیب پذیری واقعیت است، واقعیتی چند پرده و لایه لایه ووقتی پرده ذهنیت ها به تلنگری فرومی افتد،مامی مانیم وواقعیت عریان پیش رویمان و درد پوست انداختن و دنیایی که تغییر کردہاست.

